رسانه

دیدگاه رئیس رسانه ملی درباره نمایش خانگی

روابط‌عمومی صداوسیما با انتشـــار بیانیه‌ای، دیدگاه پیمان جبلی درباره سریال‌های شبکه نمایش خانگی را برای اهالی هنر تشریح کرد. به‌گزارش همشهری، این اقدام در پی آن انجام شد که پیمان جبلی، رئیس صداوســـیما به دانشگاه صنعتی شـــریف رفت و به پرسش‌های دانشجویان درباره عملکرد این رسانه در برخورد با برخی چهره‌های محبوب، پرداختن به وضعیت معیشتی مردم، نظارت بر شبکه نمایش خانگی و پلتفرم‌ها، طرح تحول رسانه و همچنین دلایل کاهش تعداد مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی پاسخ گفت. اظهارات جبلی در این دیدار و خصوصا گفته‌هایـــش درباره نمایش خانگی و محتوای یکی از ســـریال‌های پلتفرم‌ها، این روزها واکنش‌هایی همراه شـــده و حالا روابط‌عمومی صداوسیما، دیدگاه پیمان جبلی درباره نمایش خانگی را تشـــریح کرده اســـت. در این مطلب آمده: «در فضای بعضی از پلتفرم‌هایی که در قالب گیمینگ پخش زنده دارند، اســـتریمینگ دارند، مطالبی که آنجا بارگذاری می‌شود اعم از محتوای مســـتهجن به معنی واقعی کلمه، شیطان‌پرســـتی به معنی واقعی کلمه، محتواهای ۱۰۰درصد ضددینی و ضداخلاقی و ضدامنیتی همین الان روز روشن در جمهوری اسلامی شما بروید در این پلتفرم‌ها [ببینید]. چه‌کســـی صاحب اینجاست؟ چه‌کسی باید این را مدیریت بکند؟ یعنی می‌خواهم عرض کنم ما اگر ادعای نظارت داریم این ادعا، ادعای سلیقه‌ای ما نیست. وظیفه‌ای که قانون اساسی گردن ما گذاشته و تفسیر از قانون اساسی توسط نهادهای قانونی موظف هستیم به حفظ امنیت فرهنگی جامعه و حفظ حریم فرهنگی جامعه و از این وظیفه‌مان کوتاه نمی‌آییم تا زمانی که به ما بگویند شما مسئول این کار نیستید. بگویند مسئول نیستید؛ چشم؛ هر کسی خواست بیاید این مســـئولیت را برعهده بگیرد. کسی هم سلیقه‌ای نمی‌تواند این حرف را بزند؛ قانون اساسی اگر تغییر کرد آن وقت مسئولش هم تغییر می‌کند.»

جشنواره

برادران لیلا: پانزده از شانزده

منتقدان نشریه معتبر اسکرین اینترنشنال به ۱۶فیلم از ۲۱فیلم بخش مسابقه رأی دادند.
فیلـــم «تصمیم به ترک کـــردن» پارک چان-ووک با امتیاز ۲,۳ بیشـــترین توجه را به‌خود جلب کرده. فیلم «زمان آرماگادون» ســـاخته جیمز گری بـــا ۸,۲ و فیلم‌های EO ســـاخته یرژی اسکولیموووســـکی و «تـــوری و لوکیتا» ساخته برادران داردن با ۷,۲ امتیاز قرار دارند.
فیلم «همیشـــه جوان» ســـاخته والریا برونی تدشـــی بـــا ۸,۱ پایین‌ترین امتیاز را کســـب کرده اســـت. ۲ســـینماگر ایرانی، علی عباسی برای «عنکبوت مقـــدس» امتیاز ۲ و ســـعید روســـتایی برای «برادران لیـــلا» امتیاز ۳,۲ را دریافت کرده‌اند.
۱۰منتقـــد مختلـــف آرای خـــود را از «بد» تا «عالی» به فیلم‌ها داده و متوســـط آرا در پایان محاسبه می‌شود.
از میان ۱۶فیلم داوری شده توسط این منتقدان سعید روســـتایی در رتبه پانزدهم و فیلم علی عباسی در رده نهم قرار دارد.

سینما

مرگ رفیق خوب

بازیگـــر فیلم‌هایی «رفقـــای خوب» و «ورود غیرقانونی» از دنیا رفت.
به‌گـــزارش گاردیـــن، ری لیوتـــا در ۶۷ســـالگی در جمهوری دومینیکن و هنگام فیلمبرداری جدیدترین پروژه خود یعنی «آب‌های خطرناک»، در خواب، فوت کرده است. لیوتا که در نیوجرسی به دنیا آمده بود، پس از مجموعه‌ای از نقش‌های کوچک در تلویزیون و نقشی کوچک در فیلم سال ۱۹۸۳ «بانوی تنها» توانست به‌خاطر فیلم ســـال ۱۹۸۶ «چیزی وحشی» نامزد دریافت جایزه گلدن گلوب شود.
او در سال ۱۹۸۹ در «ســـرزمین رویاها» نقش‌آفرینی کرد و معروف‌ترین نقش خود را در فیلـــم «رفقای خوب» مارتین اسکورســـیزی داشـــت. او در دهه ۹۰ میـــلادی در «ورود غیرقانونی» کنار کرت راســـل ظاهر شـــد، در «ســـرزمین پلیس‌ها» بـــار دیگر با رابرت دنیرو همبازی شـــد و در درام خانوادگی «کورینا» در کنار وویی گلدبرگ جلوی دوربین رفت. او به‌خاطر فیلم تلویزیونی «دسته موش‌ها» سال ۱۹۹۸ نامزدی جایزه انجمن بازیگران پرده را کســـب کرد. در دهه پس از آن او در «هانیبال» ریدلی اسکات دیده شد، در فیلم «نارک» جو کارناهان بازی کـــرد و به‌خاطر نقش‌آفرینی در سریال «ای‌آر» یک جایزه امی گرفت. به لیوتا نقشی در سریال خوش‌نقد «سوپرانوها» پیشنهاد شد اما چون نمی‌خواست دوباره نقش مافیایی بازی کند آن را رد کرد. او ۲دهه بعد در فیلم پیش‌درآمد آن سریال یعنی «قدیسان فراوان نیوآرک» نقش‌آفرینی کـــرد. از آثار جدیدتر او می‌توان از «داســـتان ازدواج» و بازســـازی پرده کوچک آمازون از «هانا» نام برد. نقش‌های نهایی‌اش که هنوز دیده نشـــده‌اند شامل سریال «پرنده سیاه» اپل کنار تارون اگرتون و «خرس کوکائین» به کارگردانی الیزابت بنکس می‌شوند.

عکس: زهیر سعیدنانو

عکس: مریم کاظم‌زاده

مریم دفاع‌مقدس

مریم کاظم‌زاده، عکاس جنگ و همسر شهید اصغر وصالی درگذشت

تجسمی

فهیمه پناه‌آذر روزنامه‌نگار

میانه دهـــه ۸۰ بود کـــه بنیاد حفظ آثار و نشـــر ارزش‌هـــای دفاع‌مقـــدس که حالا به ســـازمان تبدیل شـــده، همایش‌هـــا و ســـفرهایی را برای نویســـندگان جنگ مهیا می‌کرد؛ سفر به نقاط مرزی از کرمانشـــاه و پاوه گرفته تا سوسنگرد و... دستاورد این سفرها نگارش کتاب‌هایی در حوزه دفاع‌مقدس بود. در میان نویسندگان زنی که در این سفرها حضور داشتند، جز نرگس آبیار، راضیه تجار و دیگر نویســـندگان فعال آن دوران، مریم کاظم‌زاده نیز دعوت می‌شد.
جنگ را با خاطرات زیادی که از آن دوران داشت، صریح و سلیس روایت می‌کرد و نام اصغر وصالی همیشه در میان خاطراتش شنیده می‌شد. مریم کاظم‌زاده مانند دیگر کسانی‌بود که سال‌ها درگیر جنگ بودند اما نامشان برای مردم ایران آشنا نبود و حالا که رفته، خیلی‌ها حتـــی نمی‌دانند مریم کاظم‌زاده که بوده؟
مریم کاظـــم‌زاده، عکاسِ خبـــری جنگ، متولد ســـال ۱۳۳۵، در ســـن ۶۵ســـالگی درگذشت. کاظم‌زاده سابقه همکاری با روزنامه‌های، کیهان و مجلـــه زن‌روز را دارد. او فرزنـــد یـــک خانواده سرشناس در شیراز است و تحصیلات عالیه‌اش را در انگلستان به پایان رساند.

ازدواج با فرمانده دستمال‌سرخ‌ها

علی‌اصغر وصالـــی طهرانی‌فـــرد (اصغر وصالی) ســـال ۱۳۲۹ در منطقه دولاب به‌دنیـــا آمد. در ســـال‌های جوانی از ایران خارج شده و دوره‌های چریکی را در میان مبارزان فلســـطینی ســـپری کرد. در دوران قبل از انقلاب بازداشـــت شـــد و حکم اعدام گرفت اما بعدها با یک درجه تخفیف حبس ابد گرفت و درنهایت ۱۲سال زندانی شد. اواخر سال ۵۶ هم بعد از پنج سال و نیم حبس، از زندان آزاد شد. با پیروزی انقلاب، وصالی انتظامات زندان قصر را تشکیل داد و در سال ۵۹ وارد سپاه پاسداران انقلاب اســـلامی و از بنیانگذاران اصلی بخش اطلاعات سپاه شد.
مدتی نیـــز فرماندهی بخـــش اطلاعات خارجی را برعهده گرفت. او بعدها بـــه جبهه غرب برای دفاع رفت. نیروهای علی‌اصغـــر وصالی به‌دلیل بســـتن دســـتمال ســـرخ بر گردن بـــه «گروه دستمال‌سرخ‌ها» شهرت داشـــتند. وصالی روز عاشورا در تنگه حاجیان و همزمان با چهلمین روز شهادت برادرش شهید شد و حالا در میان گروه دستمال‌سرخ‌ها در بهشت‌زهراست.
کاظم‌زاده در جایی می‌گوید: «غائله کردســـتان که آغاز شد، خودم را به‌عنوان خبرنگار به مریوان رساندم. شـــهید وصالی هم با نیروهایش به آنجا آمده بود. شـــهید چمران من را با اصغر آشنا کرد تا مصاحبه‌ای درخصوص پـــاوه ضبط کنم، اما با واکنش بدی از سوی اصغر وصالی مواجه شدم.»
اما شهریور ۵۸ شهید وصالی با کاظم‌زاده ازدواج می‌کند؛ ازدواجی که خیلی طولانی نبود.

از خاطرات خبرنگار جنگی تا کتاب عکس

از این خبرنگار و عـــکاس دوران جنگ، ۳کتاب منتشـــر شـــده که یکی از آنها «خاطرات مریم کاظم‌زاده، خبرنگار جنگی» است؛ کتابی که رضا رئیسی نوشـــته و در همان دهه ۸۰ و بعد از چاپ آن در یکی از همان سفرهای نویسندگان، مراسم مختصری برای آن توسط بنیاد حفظ آثار با حضور خودش گرفته شـــد. «مریم کاظم‌زاده؛ عکاسان جنگ (عراق-ایران ۱۳۶۵-۱۳۵۷)» یک اثر پر از عکس و تصویر است که به آثار مریم کاظم‌زاده اختصاص دارد. این کتاب توسط انجمن عکاسان انقلاب و دفاع‌مقدس در روایت فتح منتشر شد، برای تهیه این کتاب ســـیدحامد میرهاشـــمی و مینو بدیعـــی دزفولی کار گـــردآوری عکس‌ها و محتوا را برعهده داشـــته‌اند. مجموعه عکاســـان جنگ کتابی مصور حاوی آثار عکاسانی است که به موضوع جنگ عراق علیـــه ایران و جنگ‌های معاصر پرداخته‌اند.
این مجموعه عکس‌ها مشتمل بر نوع نگاه، سبک شـــخصی، اطلاعات صحیح عکس‌ها و شناخت عکاسان جنگ اســـت. این دوره کتاب‌ها، بیانگر گوشه‌ای از ســـخت‌ترین روزهای تاریخ معاصر و به‌یادماندنی‌ترین حماسه‌های مقاومت مردمی که با جنگ روبه‌رو شده‌اند، است. «تا شهادت» یکی دیگر از آثار مرتبط با مریم کاظم‌زاده است. ناشر این کتاب سازمان تبلیغات اسلامی است و کتاب در سال ۱۳۷۳ منتشر شد.
این کتاب در ۱۴۶صفحه نگارش شـــده و در آن خاطراتی از مرحـــوم کاظم‌زاده و خاطرات جنگ ایران و عراق تدوین شده است.

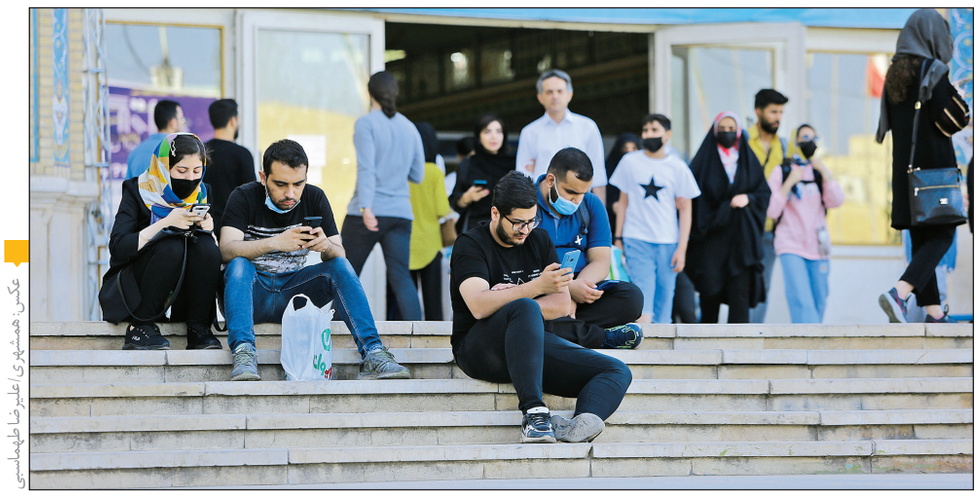

عکس: همشهری/ علیرضا طهماسبی

نمایشگاهی با فروش کمتر

نگاهی به آمارهای فروش سی‌وسومین نمایشگاه کتاب تهران

کتاب

روز آخر نمایشگاه کتاب، پایان کار نمایشگاه نیست. تازه وقتی نمایشگاه تمام می‌شود و خریداران کتاب‌هایشان را خریده‌اند و ناشـــران باروبندیل‌شان را جمع کرده‌اند تا به روال عادی کارشان بازگردند، نوبت حساب و کتاب نمایشگاه می‌رسد.
به گزارش همشـــهری، در نگاه اول به‌نظر می‌رســـد فروش سی‌وسومین نمایشگاه کتاب بیشـــتر از آخرین سال برگزاری نمایشـــگاه حضوری در سال ۱۳۹۸ بوده و کتابخوانان، به‌رغم همه گرانی‌ها و مشکلات ریزودرشت معیشتی، امسال بیشتر از دوره ســـی و دوم کتاب خریده‌اند. این می‌تواند خبر خوبی برای دست‌اندرکاران نشر باشد؛ منتها اگر صرفا براساس میزان فروش قضاوت کنیم. اما اگر تعداد کتاب‌های فروخته‌شـــده در نمایشگاه سی‌وسوم را با تعداد کتاب‌های فروخته‌شده در نمایشگاه سی و دوم مقایسه کنیم، خواهیم دید که فروش کتاب در نمایشگاه سی‌وسوم افت کرده و این یعنی کاسته شدن از قدرت خرید مردم. در این گزارش به بررسی آمارهای سی‌وسومین نمایشگاه کتاب و برخی مسائل این رویداد پرداخته‌ایم.

کتاب گران‌تر، فروش کمتر

به‌گفته یاســـر احمدوند، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشـــاد اسلامی و رئیس سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، میزان فروش سی‌وسومین نمایشگاه کتاب تقریبا ۲۱۱میلیاردو ۳۵۰میلیون تومان بوده که از این مبلـــغ، ۱۰۷میلیاردو ۴۵۰میلیون تومان به بخش فیزیکی و ۱۰۳میلیاردو ۸۹۲میلیون تومان به بخش مجازی تعلق داشته است. در آخرین دوره حضوری نمایشگاه کتاب در سال ۱۳۹۸، فروش نمایشگاه ۱۲۳میلیاردو ۸۹۰میلیون تومان بود. مقایسه رقم فروش این دو نمایشگاه از افزایش ۵۸درصدی فروش کتاب در نمایشگاه سی‌وسوم نسبت به دوره قبل حکایت دارد؛ آن‌هم در سالی که قیمت مواد خوراکی به‌شدت افزایش یافته و مردم با مشکلات اقتصادی روزافزونی دست به گریبان هستند. علت اصلی این افزایش فروش در نمایشگاه کتاب امسال را باید در افزایش قیمت کتاب جســـت‌وجو کرد، نـــه در افزایش تعداد کتاب‌های فروخته‌شده.
نمایشگاه سی و دوم از ۴ تا ۱۴اردیبهشت ۱۳۹۸ برگزار شد و میانگین قیمت کتاب در سال منتهی به برگزاری نمایشگاه، یعنی در سال ۱۳۹۷، براســـاس آمار خانه کتاب، ۲۶هزارو ۵۰۰تومان بوده است. اما میانگین قیمت کتاب در سال ۱۴۰۰ - که ســـال منتهی به نمایشگاه سی‌وسوم در ســـال ۱۴۰۱ بود - ۵۹هزار تومان بوده اســـت. یعنی قیمت کتاب از اردیبهشـــت ۱۳۹۸ تا اردیبهشـــت ۱۴۰۱ تقریبـــا ۱۲۳درصد افزایش یافته اســـت. از تقســـیم فروش کل نمایشگاه ســـی و دوم بر میانگین قیمت کتاب در ســـال ۱۳۹۷ (یعنی ۱۲۳میلیاردو ۸۹۰میلیون تومان بر ۲۶هزارو ۵۰۰تومان) به عدد تقریبی ۴میلیون و ۶۷۰هزار جلد کتاب می‌رسیم. با تقسیم میزان فروش نمایشگاه سی‌وسوم بر میانگین قیمت کتاب در سال ۱۴۰۰ (یعنی ۲۱۱میلیاردو ۳۵۰میلیون تومان بر ۵۹هزار تومان) عدد ۳میلیون و ۵۸۲هزار جلد کتاب به‌دست می‌آید. به این ترتیب می‌بینیم که در نمایشگاه سی‌وســـوم یک‌میلیون و ۸۸هزار جلد کتاب کمتر به فروش رسیده؛ یعنی فروش نمایشگاه کتاب امسال ۲۳درصد کمتر بوده اســـت. نکته مهمی که نباید از خاطر برد این است که میزان فروش نمایشگاه شامل فروش بخش کتاب‌های کمک‌درسی و کنکور، خریدهای تعداد بالای سازمان‌ها و نهادهای حاضر در نمایشگاه و فروش ناشران کتاب‌ساز هم می‌شـــود و نباید میزان فروش نمایشگاه را تمام و کمال به کتاب‌های عمومی / غیردرسی ربط داد.

فروشندگان آنلاین؛ یک امکان جدید

مشخص نیســـت روی چه حســـابی اما اغلب فعالان عرصه نشر و کتاب معتقدند به‌دلیل آنکه آنها در حیطه‌ای «فرهنگـــی» فعالیت می‌کنند، پس مستحق دریافت حمایت‌های دولتی هستند. اتفاقا در طول بیست و اندی سال گذشته، ناشران و کتابفروشان به شکل‌های مختلف از مواهب حمایت‌های دولتی برای توســـعه و رونق کســـب‌وکار خود بهره‌برده‌اند. دریافت کاغذ دولتی، بهره‌مندی از معافیت‌های مختلف، برخورداری از حمایت‌های کارگزاران رسانه‌ای و انواع و اقسام مواهبی که به واسطه ورود به‌کار نشر شامل حال برخی ناشران شده، به افزایش قدرت و ضریب نفوذ آنها در بازار نشر و تعیین سیاست‌های کلی این بازار انجامیده است. سؤال مهمی که در این میان پیش می‌آید این است که چه وقت و چه نهادی باید از حق و حقوق خریداران کتاب حمایت کند؟ در نمایشگاه امسال، اغلب ناشران تخفیف‌های ۱۰تا ۱۵درصدی روی کتاب‌های خود می‌دادند که با توجه به قیمت بالای کتاب (میانگین قیمت کتاب در نمایشگاه تقریبا ۶۰هزار تومان بود) برای اغلب خریداران چندان جذاب نبود. روزگاری نمایشگاه کتاب با تخفیف‌هایش و با رقابتی که میان ناشران برای جذب مخاطب بیشتر وجود داشت، شناخته می‌شـــد. اگر قرار بر این باشد که خریداران نمایشـــگاه کتاب با همان قیمتی از نمایشگاه کتاب بخرند که می‌توانند از کتابفروشان کتاب بخرند، دیگر چه حاجت به نمایشگاه کتاب؟ اگر توجیه برگزاری نمایشگاه کتاب این است که کتابفروشان توانایی ارائه و عرضه همه تولیدات ناشران را ندارند، می‌توان این مهم را به فروشندگان آنلاین کتاب سپرد که هم تخفیف‌های بهتری می‌دهند و هوای مشتری را دارند و هم محدودیت و مشـــکلی در عرضه کتاب‌های پرشمار ناشران مختلف ندارند. ظرف چند سال گذشـــته با رونق فضای مجازی، شکل بسیاری از کســـب‌وکارها تغییر کرده و نباید نگران حذف فروشندگان فیزیکی کتاب بود. حالا کتابفروشی‌ها همچون قدیم‌الایام پاتوق فرهنگی محسوب نمی‌شوند. گپ‌وگفت‌های فرهنگی عمدتا در فضای مجازی اتفاق می‌افتد. با این آلودگی هوا و ترافیک، اغلب افراد ترجیح می‌دهند در خانه بنشینند و از پای موبایل در گپ‌های فرهنگی شرکت کنند. خلاصه که فضای مجازی می‌تواند هم پاتوق فرهنگی باشد و هم محل فروش کتاب، آن‌هم با تخفیف. چطور بسیاری از ناشران و کتابفروشان گپ‌هایشان را در فضای مجازی برگزار می‌کنند اما از فروشندگان آنلاین کتاب ناراضی‌اند؟

لطفا کمی مؤدب باش

نکته آخر درباره نمایشگاه کتاب، رفتار نسنجیده و غیرحرفه‌ای و گاه بی‌ادبانه برخی از غرفه‌داران بود. آدم‌هـــای این غرفه‌ها با تبختـــر و تند با مراجعان برخورد می‌کردند و فروش کتاب را نوعی فضیلت برای خود می‌دانســـتند. ناشران جدی و آینده‌نگری که قصد ماندن در فضای نشر را دارند باید بدانند که صرفا با کمک بوقچی‌های تبلیغاتی نمی‌توانند اهمال‌کاری‌ها و رفتارهای نادرست‌شان را لاپوشانی کنند و اگر همچنان به حقوق خریدار و نحوه رفتار کارکنان‌شان با مردم و همینطور رفتار خودشـــان با کارکنان‌شان بی‌اعتنا باشند و فقط به سود بیندیشـــند، آینده‌ای در بازار نشر نخواهند داشت و از چشم مردم خواهند افتاد.

یادداشت

مهرنوش سلماسی: روزنامه‌نگار

دویی که همیشه یک بوده است

در حاشیه حضور سعید پورصمیمی در جشنواره کن

میان انبوه تصاویر منتشر شده از ایرانی‌های حاضر در کن، قاب‌های ثبت شـــده از سعید پورصمیمی جلوه و درخشـــی دیگر دارد. تماشای بازیگر ۷۸ساله فیلم «برادران لیلا» جایی دور از آنچه قواعد فرش قرمز (با تمام نمایش‌های اغلب اغراق شده مقابل دوربین عکاسان و خبرنگاران) خوانده می‌شود، حسی توامان از احترام و حســـرت را برمی‌انگیزد. احترام برای هنرمندی که همیشـــه در اوج بوده (احتمالا هیچ‌کدام‌مـــان حتی یک بازی بد از او در ذهن نداریم) و حســـرت بابت اینکه چقـــدر دیرهنگام در ســـطحی بین‌المللی دیده می‌شـــود. او که در نخستین حضور سینمایی‌اش با «ناخدا خورشید» (ناصر تقوایی ۱۳۶۵) چشم‌ها را خیره کرده بود کمتر در محافل جهانی دیده شـــد. در همین سال ناخدا خورشـــید، «خانه دوست کجاســـت؟» (عباس کیارستمی ۱۳۶۵) هم در جشـــنواره فجر به نمایش درآمد کـــه آغازی بود بر درخشش بین‌المللی سینمای ایران؛ در واقع نوع خاصی از سینمای ایران که مبتنی بـــر واقع‌نمایی و حضور نابازیگر بود. ســـیطره این ســـینما که کیارســـتمی پرچمدارش بود در همان دورانی رخ داد که هنر ســـعید پورصمیمی فقط در ایران دیده می‌شد. بازیگری دوست‌داشـــتنی که در دوران انتصاب فله‌ای القاب، واقعا برازنده صفت استاد بود و همیشه اســـتاد ماند. به یادش می‌آوریم با ناخدا خورشید، تحفه‌ها(۱۳۶۶)، پرده‌آخر(واروژ کریم مسیحی ۱۳۶۹)، دلشدگان(علی حاتمی ۱۳۷۰)، آبادانی‌ها(کیانوش عیاری ۱۳۷۱)، چهره(ســـیروس الوند ۱۳۷۵)، ســـرزمین خورشـــید(احمدرضا درویش ۱۳۷۵)، ایران سرای من اســـت(پرویز کیمیاوی ۱۳۷۷)، نسل سوخته(رسول ملاقلی‌پور ۱۳۷۸)، عروس آتش(۱۳۷۸)، یه حبه قند(رضا میرکریمی ۱۳۹۰) و... . به یاد می‌آوریم که به شکلی شگفت‌انگیز، حتی در محاصره انبوه بازی‌های اغراق‌آمیز (در مثلا سریال «در پناه تو») همیشه باورپذیر بوده و سطح والای خودش را حفظ کرده است. بدون کمترین ادا و ادعا و رفتارهای جلوه‌گرایانه مرسوم و تمایل به دیده شدن جز برای هنرش؛ هنر بازیگری که او در سینمای ایران از قله‌هایش بوده و هســـت. سعید پورصمیمی بیشتر به‌عنوان بازیگر نقش مکمل در سینمای ایران حضور داشته است. از ناخدا خورشید تا امروز، اغلب او را در فیلم‌ها و سریال‌هایی دیده‌ایم که دیگران بازیگران اصلی‌اش بوده‌اند ولی ما هربار خیره بر درخشش سعید پورصمیمی بوده‌ایم که هر حضورش حیثیتی به نقش مکمل (همان نقش دوی دیروز) بخشیده است. در ۷۸سالگی پیرمردی است دوست‌داشتنی که تماشـــای تصاویر حضورش در جشنواره کن غرابت و حسرت و ستایش را معنا می‌بخشد.

نقد

آرش نهاوندی: مترجم

گاردین از پدرخوانده ایرانی می‌گوید

اگرچه تاکنون منتقـــدان، نظرات متفاوتی از فیلم «بـــرادران لیلا»، جدیدترین ساخته ســـعید روســـتایی ارائه داده‌اند، اما پیتر برادشاو، منتقد شناخته شـــده گاردین به این فیلم از ۵ســـتاره ۴ستاره داده و درباره آن نوشته است: سعید روستایی فیلمساز ایرانی به تازگی یک فیلم بزرگ، مهم و جذابی که موضوع آن برگرفته از داستانی با محوریت شخصیت‌های خانودگی اســـت، ســـاخته. او این فیلم را با اقتباس از فیلم‌های جنایی - خانوادگی ایتالیایی آمریکایی ساخته است. صحنه بزرگ عروســـی را می‌توان صحنه اوج فیلم «برادران لیلا» دانست. در فیلم «برادران لیلا» رگه‌هایی از فیلم «روکو و برادرانش» ساخته لوچیانو ویسکونتی و «پدرخوانده» به کارگردانی فرانسیس فورد کاپولا به چشم می‌خورد. با توجه به اتهامات متقابل خصمانه‌ای که شخصیت‌های فیلم به هم می‌زنند و وضعیت دردناکی که شـــخصیت‌ها در فیلم «برادران لیلا» آن را تجربه می‌کنند، می‌توان رگه‌هایی از مضمون نمایشنامه‌های آرتور میلر را نیز در آن دید. ترانه علیدوستی که به‌دلیل بازی‌هایش در فیلم‌های اصغر فرهادی بازیگری شناخته شده است، در این فیلم نیز بازی گیرایی از خود ارائه داده؛ او در فیلم «برادران لیلا» در نقش زنی بازی می‌کند که به‌دلیل ســـستی و بی‌کفایتی پدر خود به مرز جنون کشیده شده است. لیلا با والدین پیرش زندگی می‌کند و از دردی که به دلیل استرس و کار زیاد به وی عارض شده، رنج می‌برد. او تنها کسی است که دارای یک درآمد مستمر در خانواده است و تقریبا به تنهایی بار مالی ۴ برادر بزرگسالش را نیز به دوش می‌کشد. پرویز با شکمی برآمده (با بازی فرهاد اصلانی) یکی از این برادران است که به‌عنوان نظافتچی دستشویی در یک مال کار می‌کند، اما درآمدش کفاف خرج خانواده را نمی‌دهد. فرهاد (با بازی محمدعلی محمدی) دیگر برادر لیلاست که بدنی ورزیده دارد و صرفا علاقه دارد اوقات خود را با دیدن مســـابقات کشتی کج پر کند. منوچهر (با بازی پیمان معادی) دیگر فرزند تن‌پرور و تنبل خانواده است که به‌دنبال طرح‌هایی برای سریع پولدارشدن است و علاقه‌ای به انجام کار برای کسب درآمد ندارد.
علیرضا (با بازی نوید محمدزاده) دیگر برادر لیلاست که به تازگی از کار در یک کارخانه به‌دلیل اینکه روسای کارخانه نمی‌توانستند دستمزد کارگران را پرداخت کنند، تعدیل شده. در رأس این خانواده متشکل از برادرانی که به‌طور انگل‌وار به درآمد تنها خواهرشـــان وابســـته‌اند، اسماعیل، پدر پیرشان است با بازی سعید پورصمیمی که مدام با نق و ناله از وضعیت خود شکایت داشـــته و به تریاک معتاد است و علاقه زیادی دارد که تبدیل به رئیس طایفه بزرگ خود شـــود که البته این سمت پس از مرگ پسرعمویش خالی مانده است. بایرام (با بازی مهدی حسینی‌نیا) پسر پسرعموی اسماعیل، اعطای سمت ریاست طایفه را به وی مشروط به این می‌کند که وی ۴۰سکه طلا به‌عنوان هدیه عروسی به پسر بایرام که ازدواجش نزدیک است، تقدیم کند. اسماعیل طماع ساده‌دل نیز با این شرط موافقت می‌کند چرا که او این تعداد سکه مورد نیاز برای به‌دست آوردن مقام ریاست طایفه را دارد و می‌داند که در مقام تشریفاتی و غیررســـمی، رئیس طایفه در آینده سهمی از هدایای هر عروسی به‌طور پنهانی نصیبش خواهد شد. در همین حال لیلا توانسته طرح جدیدی را برای کسب درآمدی آبرومندانه برای خانواده در ذهن خود ترسیم کند. آنها می‌توانند یکی از مغازه‌های در حال ساخت واقع در پاساژی را که پرویز در آن کار می‌کند، پیش‌خرید کنند، او به بانک می‌رود و متوجه می‌شود که تنها می‌تواند با داشتن سپرده، وامی از بانک بگیرد و زمانی که متوجه می‌شود که ذخیره طلاهای پدرش قرار است در راه چه کار احمقانه و نادرستی بر باد رود، خشم تمام وجودش را فرا می‌گیرد، اما آیا می‌توان پدر را از این اقدام بازداشت؟...
خشـــم ترانه علیدوســـتی از کوته‌فکری پـــدر و برادرانـــش و تلاش خســـتگی‌ناپذیر او بـــرای نجات آنهـــا از افـــکار و اهداف ناپســـند و محقرانه‌شان، انرژی احساسی و عاطفی مورد نیاز برای پیشبرد داستان فیلم را تامین و مسیر روایت را برای رســـیدن به صحنه اوج فیلم که همان صحنه عروسی است، هموار می‌کند.